

در اسلام براي پروراندن تفكر و
خلاقيت چه توصيه هايي شده است؟

منبع:

سوال

در اسلام برای پروراندن تفکر و خلاقیت چه توصیه هایی شده است؟

پاسخ

پیش از آنکه نظر اسلام را در باره خلاقیت بررسی کنیم سه نکته را باید متذکر شویم:

1- خلاقیت چیست

خلاقیت را به وضعیت یا کیفیتی برای آفرینش و خلق معنا کرده‌اند. به عبارت دیگر خلاقیت یک توانایی است که فرد بر اساس آن از ایده‌ها، نقش‌ها، روابط و الگوهای سنتی فراتر رود و بتواند اندیشه‌ها، روش‌ها و تفسیرهای معنادار جدید خلق کند.[1]

2- ویژگی‌های افراد خلاق

با توجه به معنایی که از خلاقیت مطرح شد، روان‌شناسان ویژگی‌های افراد خلاق را مطالعه کرده‌اند. ویژگی‌های مشترک همه افراد خلاق از این قرار است:

1. اهل فکر و مطالعه هستند و گنجایش ذهنی و فکری زیادی دارند.
2. اهل سؤال و پرسش هستند و حس کنجکاوی آنان مدام فعال است.
3. به تقلید اکتفا نمی‌کنند و خودشان فکر هم می‌کنند.
4. دقیق هستند، به جزئیات امور و جوانب کارها توجه دارند.
5. به مسائل فلسفی و اعتقادی، مثل دین، ارزش‌ها، معنی و مفهوم زندگی و مرگ، و از این قبیل بسیار توجه می‌کنند.
6. شجاعت دارند و از پذیرش کارهای جدید و ارائه طرح‌های تازه نمی‌ترسند[2].

3- روش‌های افزایش خلاقیت

از آنجا که انسان مخلوق خداوند است و خداوند او را مانند خود خلق کننده آفریده است، همه افراد از قوه خلاقیت برخوردارند. اما برخی افراد به دلیل استفاده از روش‌های خاص خلاقیت بیشتری دارند. روش‌هایی که برای ایجاد خلاقیت مطرح شده‌اند، زیاد است، اما در این نوشتار بر حسب اقتضای مقام به چند مورد اشاره می‌شود:

1. زیاد مطالعه کنید!
2. از افکار دیگران بهره بجوید!
3. به ذهن خود آزادی عمل دهید!
4. فرصت‌هایی را که در آن ذهن شما خلاق است از دست ندهید!
5. اندیشه‌ها و طرح‌های خلاق که به ذهن‌تان رسید یادداشت کنید!
6. تغییراتی در محیط اطراف خود ایجاد کنید!
7. در حیطه کاری خود به فعالیت بپردازید!
8. ایده‌های گذشته را از نو بسازید.[3]

توصیه‌هایی پرورش دهنده خلاقیت در منابع اسلامی

با توجه به ویژگی‌هایی که برای افراد خلاق ذکر شد و همچنین روش‌هایی که در روان‌شناسی برای پرورش خلاقیت ذکر شده است، به راحتی می‌توان از منابع دینی توصیه‌هایی برای افزایش خلاقیت به دست آورد.

1. مطالعه و فکر

در اسلام توصیه‌های زیادی وجود دارد که افراد را به اندیشیدن و مطالعه کردن فرا می‌خواند. آیات و روایات زیادی در منابع اسلامی وجود دارند که انسان را دعوت به فکر کردن و اندیشیدن می‌نماید. در اینجا به یک روایت از امیرالمؤمنین اشاره می‌گردد که به بحث خلاقیت بیشتر تناسب دارد: «مَنْ أَكْثَرَ الْفِكْرَ فِيمَا تَعَلَّمَ أَتَقَنَّ عِلْمَهُ وَ قَهَمَ مَا لَمْ يَكُنْ يَفْهَمُ» [4] کسی که به آموخته‌های خود زیاد بیاندیشد، دانش او استحکام می‌یابد و چیزهای را درک می‌کند که تا حالا درک نکرده بود.

این روایت در عین حال که فکر کردن و اندیشیدن زیاد دعوت می‌کند، به نوآوری و خلاقیت در اثر فکر نیز اشاره دارد. زیرا می‌فرماید که شما در اثر فکر به چیزهای جدید می‌رسید. و خلاقیت نیز رسیدن به اندیشه‌های تازه و جدید است.

2. مطالعه اندیشه‌های دیگران

فرد خلاق برای اینکه به خلاقیت برسد، نخست باید راهی را که دیگران رفته بهیچان، کارهای که در یک زمینه انجام شده یاد بگیرد، اندیشه‌هایی را که مطرح شده بیاموزد و سپس در اثر خلاقیت از آنها فراتر رود. در اسلام نیز مکرراً سفارش شده که یک مسلمان باید اندیشه‌های درست را از دیگران بیاموزد حتی اگر آن اندیشه را یک کافر ارائه کرده باشد. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «خُذِ الْحِكْمَةَ أَتَى كَانَتْ فَإِنَّ الْحِكْمَةَ تَكُونُ فِي صَدْرِ الْمُنَافِقِ فَتَتَخَلَّجُ فِي صَدْرِهِ حَتَّى تَخْرُجَ فَتَسْكُنَ إِلَى صَوَاحِبِهَا فِي صَدْرِ الْمُؤْمِنِ» [5] یعنی دانش و حکمت هر جا باشد آن را فرابگیر، اگر حکمت و دانش در ذهن منافق باشد، هدر می‌رود مگر اینکه از ذهن او خارج گردد و در ذهن کسی قرار گیرد که اهل آن است یعنی مؤمن. امام صادق (ع) می‌فرماید: «خُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ أَفْوَاهِ الْمَجَانِينِ» [6] دانش را فرابگیرید هر چند از دهان دیوانگان.

روایات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد. پس ترغیب به آموختن اندیشه‌های دیگران که یکی از زیربناهای خلاقیت است در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است.

3. یادداشت کردن اندیشه‌های خلاق

همانطور که در بالا مطرح شد، یکی از راه‌های افزایش خلاقیت نوشتن اندیشه‌های خلاق است که به طور ناگهانی در ذهن انسان ظهور می‌کنند. در اسلام نیز توصیه‌هایی مطرح شده است که افراد مطالبی را که فرا می‌گیرند، یا با تفکر به آنها می‌رسند یادداشت کنند. از پیامبر گرامی اسلام نقل شده که فرمودند علم را دربند کنید، عرض شد چگونه؟ فرمودند با نوشتن. «قَيِّدُوا الْعِلْمَ قِيلَ وَ مَا تَقْيِيدُهُ قَالَ كِتَابَتُهُ» [7] همچنین در کلام دیگر از حضرت ایشان نقل شده است: «قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ» [8] دانش و اندیشه را با نوشتن نگه دارید. علم که در روایت مطرح عام است شامل علوم می که انسان از دیگران می‌آموزد و همچنین شامل اندیشه‌های خلاق که خود به آنها می‌رسد، نیز می‌شود.

4. سؤال کردن و پرسیدن

سؤال‌مند کردن ذهن انسان‌ها جهت تعقل، تفکر و به بارور نشانیدن قوه خلاقیت انسانها نیز در موارد متعددی از قرآن و دین مشاهده می‌شود. خداوند در قرآن بارها و بارها از آفریننده زمین و آسمان و علت اولی خلقت و یا از معبود حقیقی و اصلی انسانها سؤال می‌کند و در ضمن این سؤال‌ها که همراه با مقدمه چینی‌هایی نیز می‌باشد، قصد برانگیختن خلاقیت و تفکر و تعقل

انسان‌ها را دارد.

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «سَلَوْنِي عَمَّا شِئْتُمْ» [9] از هر مطلبی که می‌خواهید از من سؤال کنید. همچنین در کلام دیگر می‌فرماید: «سَلَوْنِي قَبْلَ أَنْ تَقْعِدُونِي» [10]

5. موارد دیگر

1. مشورت: در قرآن نیز بدان سفارش شده است «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» [11]. مشورت به نوعی زمینه آغاز تفکر و تلاش فکری برای حل مشکل و سوال می‌باشد.

2. مسابقات و رقابت‌ها: در اسلام نیز در موارد متعددی سفارش به مسابقه و سبقت‌گیری به یکدیگر مخصوصاً در کارهای خیر و نیک شده «و استبقوا الخیرات» [12] و «سارعوا الی مغفرة من ربکم» [13] همانگونه که در روانشناسی امروز روشن شده است انسانها در فشارها و تنگناهای مناسب و در حضور دیگران بهتر از حالت عادی و معمولی از توانایی‌های ذهنی و بدنی خویش استفاده می‌کنند و این باعث توانمندی بیشتر و خلاقیت افزون‌تر است.

3. داستان‌گویی: در قرآن به داستانهای مختلفی از تاریخ افراد و اقوام متفاوت بر می‌خوریم که باعث اندیشیدن و تعقل در زمینه‌های مختلف است.

4. تشویق به کار و فعالیت:

در کار و فعالیت، نیازهایی برای انسان پدید می‌آید که برای رفع آن انسان به پرورش قوه خلاقیت نیازمند است.

5. تمثیل قرآن‌گاه بوسیله مثال زدن به تحریک انسانها جهت تفکر و تعقل خلاق آمیز می‌پردازد. «آنانکه تورات می‌خوانند و عمل نمی‌کنند مانند الاغهایی هستند که کتاب بارکشی می‌کنند» [14].

6. ترغیب به یادگیری و مطالعه: اسلام به کسب علم و دانش اهمیت زیادی داده تا جایی که آن را به عنوان امری ضروری و لازم برای مسلمانان بیان داشته است. روان‌شناسان امروزی نیز با این نظر موافق‌اند که برای ارائه کار خلاقانه می‌باید وقت زیادی را صرف یادگیری در رشته خود نمود و اغلب افراد خلاق کارهای خلاقانه خود را پس از سالها تحصیل و تحقیق و تمرین آفریده‌اند. [15]

7. صبر و استقامت: اسلام به ما دستور داده که در کارها همت بالایی داشته باشیم و با سعی و تلاش به رشد و تکامل نائل آئیم، لیس للانسان الا ما سعی. [16] انسان در سایه صبر و تلاش می‌تواند راه‌های حل جدیدی برای مشکلات خود پیدا کند. [17]

برخی از مسائل دیگری که در آیات و روایات به آن اشاره شد و موجب خلاقیت می‌شود از این قرار است: بازی و تحرک، توجه به نکات مثبت رفتار و افکار دیگران، ارائه الگوی خلاق، تشویق به کار و نهی و ملامت از بی‌کاری و اهمالکاری، توجه به سؤالات دیگران، تشویق کاری که بر اساس خلاقیت صورت گرفته، مباحثه و مذاکره علمی و نهی از همنشینی با احمق، تشویق به سؤال پرسیدن و ...

نکات تکمیلی در مورد گستره دین

با توجه به تعاریف مختلفی که از دین توسط دین‌شناسان و عالمان دینی صورت پذیرفته است مهمترین و اصلی‌ترین وظیفه دین هدایت و سرپرستی انسانها برای وصول به سعادت ابدی و کمال نهایی انسان است [18] و با توجه به این هدف و وظیفه خطیر باید موضوعات و نیز سؤالات خاصی را از دین پرسید و انتظار پاسخ آنها را از دین داشت همانگونه که در رابطه با علم نیز چنین است، یعنی اینکه باید مرزها و قلمرو علم را شناخت و سؤالات مربوط به علم را به آن

ارجاع داد و از آن نباید بیش از وظیفه و قلمروش انتظار داشت. برای روشن تر شدن بحث خوب است ضمن توضیحات بیشتر به مطالب زیر توجه شود.

تفکیک قلمروهای هر يك از دین و علم مانند تفکیک قلمروهای هر يك از رشته های علمی می ماند، همانگونه که هر يك از رشته های علمی حوزه های خاص خود را دارد و شامل «موضوعات» و «مسائل خاصی» می شود و نمی توان مثلاً از رشته پزشکی انتظارات سؤالات مربوط به روح و روان را داشت و همانگونه که نمی توان از رشته روانشناسی موضوعات مربوط به بدن و صحت و سلامت مثلاً دندان را توقع داشت و یا اینکه نمی توان از ریاضیات انتظار پاسخگویی سؤالات مربوط به زمین شناسی و یا غیره را داشت. از دین نیز نمی توان انتظار پاسخ به سؤالاتی مربوط به علم تجربی و نیز از علم (تجربی) انتظار پاسخ سؤالات مربوط به دین را داشت.

بنابر این هر يك از حوزه های دین و علم (تجربی) دارای اهداف، وظایف و قلمروها و در نتیجه دارای موضوعات و مسائل خاص خویش است.

خلاقیت و دین:

حال باید دید که در مورد خلاقیت، چقدر در حیطه دین قرار می گیرد. گفته شد که وظیفه دین ارائه برنامه هدایت و سرپرستی انسانها برای وصول به معارف و کمال نهایی است که از طرف خداوند برای آنها در نظر گرفته شده است و از آنجا که معارف و کمال نهایی انسان تعبد و قرب الی الله می باشد در نتیجه دین برنامه ای است از طرف خداوند برای متعبد کردن و فراهم نمودن قرب الی الله برای انسانها، مسئله خلاقیت گرچه نقش ساز در تعبد و تقرب بخداوند است و بدون اموری چون حافظه، استعداد، هوش، خلاقیت، ابتکار، هدف نهایی انسان یعنی همان تقرب و تعبد به خداوند میسر نیست، اما از آنجا که این امور، داده هایی تکوینی خداوند و عطایایی است که در قالب خلقت و ساختار آفرینش وجودی انسان در نهاد او نهفته شده است و بیشتر از آنکه جنبه شکوفایی و رشد داشته باشد جنبه تکوینی، فطری و نهادی دارد؛ بدین وسیله مقدمات و وسایل رسیدن به هدف نهایی که همان تقرب و تعبد به خداوند باشد، در وجود او نهفته شده است؛ پس دیگر مسئله ای مستقیم و مربوط به دین نمی باشد. می توان در اینجا از عبارات فلاسفه استفاده کرده و بیان داشت که موضوعات از این دست، که بیشتر علمی هستند، موضوعاتی هستند که اولاً و بالذات مربوط به دین نمی باشند یکی به همان دلیلی که توضیح داده شود و دیگر بدلیل اینکه در حیطه کشف و تجربه انسانی قرار دارند یعنی اینکه انسانها با تجربه و بوسیله راه های عادی و معمولی علمی که در اختیار دارند توانایی کشف و شناخت این گونه از مسائل را دارند و تا حدودی برای کشف و شناخت آن نیاز به نیروی علمی خارق العاده و فوق بشری نیست. این است که دین به مسائل مهمتر و غیر قابل دسترس بشریت پرداخته است؛ اما از آنجا که اولاً رشد هر بشری، از جمله رشد معنوی و دینی با استفاده از امکانات مادی و معمولی بشر صورت می پذیرد، یعنی با همین استعدادهایی از جمله حافظه، هوش و خلاقیت و ثانیاً خدا نیز این فرد را در همین چهارچوب امکانات بشری انتظار دارد پس در دین نیز سخن (نه به شکل يك هدف اصلي بلکه يك هدف فرعی) به مسائلی از جمله خلاقیت، هوش، حافظه و استعداد کشیده می شود و در میان آیات و روایات به مباحثی پیرامون رشد و شکوفایی حافظه، استعداد، هوش و ... بر می خوریم و حتی روایاتی را پیرامون تقویت و استفاده بهینه از استعداد های خداوندی خواهیم یافت، اما آنچه که مهم است، این است که دین نه کتاب علمی است و نه کتاب روانشناسی و

نه کتابی پیرامون رشد خلاقیت و هوش انسانی بلکه کتاب نجات بخش و سعادت مند کردن
ابدی و نهایی انسان که همان تعبد و تقرب الهی است می باشد.

پی نوشت ها:

- [1] - <http://dictionary.reference.com/browse/creativity>
- 2 - <http://www.farstak.com/modules/news/article.php?storyid=56>
- [3] - <http://www.doogooole.blogfa.com/post-46.aspx>
- [4] - تصنیف غررالحکم، ص 57.
- [5] - بحارالانوار، ج 2، ص 99.
- [6] - بحارالأنوار، ج 97، ص 84.
- [7] - بحارالانوار، ج 2، ص 151.
- [8] - بحارالانوار، ج 58، ص 124.
- [9] - کافی، ج 1، ص 399.
- [10] - وسائل الشیعه، ج 15، ص 128.
- [11] - با مردمان مشورت کن، آل عمران/ 159.
- [12] - در نیکی ها مسابقه بگذارید (سبقت بگیرید)، بقره/ 148.
- [13] - بشتابید بسوی کارهایی که باعث بخشش خداوند است، آل عمران/ 133.
- [14] - مثل الذین حملوا التورات ثم لم یحملوها کمثل الحمار عمل اسفاراً، جمعه/ 5.
- [15] - گلاور، جان ای و ... ؛ روان شناسی تربیتی اصول و کاربرد آن، ترجمه: علینقی خرازی،
چاپ دوم، 1378، صفحه 232.
- [16] - نجم/ 53.
- [17] - روان شناسی تربیتی اصول و کاربرد آن ، صفحه 234.
- [18] - رجوع کنید به کتب کلامی و دین شناسی، از جمله شرح تجرید خواجه نصیر الدین
طوسی.